

مروری بر مفهوم کیفیت سود و ابهام موجود در تحقیقات آن

وحید افتخاری^۱

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

اکبر پروایی^۲

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۰۷

چکیده:

در این مقاله ما به مروری کلی در رابطه با مفهوم کیفیت سود، پرداخته ایم. تعاریف موجود و جهت گیری‌های تحقیقاتی کیفیت سود را ارائه کرده و در نهایت ابهام موجود در این گونه تحقیقات را بیان می‌کنیم. نتایج بدست آمده این موضوع را نشان می‌دهد که از آنجایی که تعریف دقیقی از خود سود وجود ندارد، نمی‌توانیم تعریف دقیقی از مفهوم کیفیت سود داشته باشیم و به تبع نمی‌توانیم معیار اندازه گیری دقیقی برای آن در نظر بگیریم. همین امر باعث به وجود آمدن ابهام اساسی در تحقیقات کیفیت سود می‌گردد. ابهام مذکور به این ترتیب است که با توجه به اینکه معیار اندازه گیری دقیقی برای کیفیت سود وجود ندارد، ممکن است با استفاده از معیار های مختلف به نتایج متفاوتی دست پیدا کنیم، در نتیجه نمی‌توان به صورت مطلق بیان کرد که شرکت، دارای کیفیت پایینی (بالایی) از سود است، به این علت که ممکن است با معیاری دیگر به نتایج معکوسی دست یابیم. در ادامه به تفکیک به هر یک از موارد فوق پرداخته خواهد شد.

کلید واژه: کیفیت سود، شاخص‌ها و گرایش‌ها، ابهام در تحقیقات کیفیت سود.

Review of earnings quality conception and the existing vagueness of these researches

In this article we consider comprehensive review about the earnings quality conception. We present existing definition and research direction of earnings quality. Finally we argue the existing vagueness of these researches. Our results show that since there is not precise definition of earnings itself, we can't have precise definition of the earnings quality conception and similarly we can't consider the measurement criterion for it. This situation leads to create a basic vague for earnings quality researches. The vague is that since there is not precise measurement criterion for earnings quality, it may, we reach to different results when we use the different criterions. As result, we should not argue positively that, specific firm that has low (high) quality of earnings. The reason of this claim is that maybe we can reach to reverse result, if we use other criterion. We consider all follow up with more details in next parts.

¹ V_eftekhari@ut.ac.ir

² Akbar.parvae@ut.ac.ir

۱) مقدمه

کیفیت سود، موضوعی است که محدود به سال‌های اخیر نمی‌شود بلکه تحقیقات کیفیت سود و اهمیت آن، در گذشته مورد توجه محققین و سایرین بوده است و علت آن را نیز باید در اهمیت ذاتی آن جست و جو کرد، که به طور خلاصه همان تخصیص بهینه منابع کمیاب (اساس علم اقتصاد)، می‌باشد. با توجه به در نظر گرفتن موارد بالا، در سال‌های اخیر اهمیت این موضوع افزایش پیدا کرده است. مقدار زیادی از این توجه بیش از حد، بابت رسوایی‌های مالی در اوایل قرن بیست و یک می‌باشد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ورد کام^۱، سرمایه ای کردن هزینه‌ها
- انرون^۲، خارج کردن بدهی‌ها از ترازنامه توسط واحد های تجاری با مقاصد خاص^۳
- زیراکس^۴، اجاره های بلندمدت
- تایکو^۵، افشای وام‌ها

این امر منجر به بی اعتمادی سرمایه گذاران (که رکن اصلی اقتصادی می‌باشند) به کیفیت اطلاعات حسابداری و در نهایت کیفیت سود به عنوان یک شاخص مهم برای آن شده است. همین موضوع باعث گردیده است که بسیاری از محققین درصدد برآیند تا کیفیت اطلاعات مالی را ارزیابی کرده و از این طریق (۱) اعتماد از دست رفته را به سرمایه گذاران بازگردانند، (۲) اهمیت اطلاعات حسابداری که به عنوان بخشی از اطلاعات موجود در بازار سرمایه می‌باشد را افزایش دهند. برای کیفیت پایین اطلاعات مالی، دلایلی بر شمرده شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حاکمیت شرکتی ضعیف
- بسته های حقوق و مزایای مدیریت
- کاهش در کیفیت حسابرسی
- به وجود آمدن دارایی‌های نامشهود که ارزشیابی آنها دشوار است
- تغییر در محیط استاندارد های حسابداری
- عدم بررسی شرکت توسط تحلیل گران مالی
- رشد سرمایه گذاران نهادی بدون هیچ علاقه ای به تجارت شرکت
- وضعیت اقتصادی

در بخش ۲ به اهمیت ذاتی تحقیقات کیفیت سود به عنوان شاخصی مهم برای درک کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت کیفیت اطلاعات، اشاره شده است. در بخش ۳ به بیان تعاریف کیفیت سود و همچنین به موضوع عدم توافق میان تعاریف موجود، پرداخته شده است. بخش ۴ این تحقیق جهت گیری‌ها و نماینده های اصلی تحقیقات کیفیت سود را ارائه کرده و

1 WorldCom

2 Enron

3 Special purpose entity

4 Xerox

5 Tyco

بخش ۵ به اولویت بندی میان آنها پرداخته است. در بخش ۶ هم، ابهام اصلی تحقیقات کیفیت سود، بیان گردیده است و در نهایت بخش ۷ نتیجه گیری این تحقیق را شامل می‌شود.

۲) اهمیت ذاتی کیفیت سود

هدف صورت های مالی ارائه اطلاعاتی درباره وضعیت، عملکرد و انعطاف پذیری مالی است که برای استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع شود. بنابراین می‌توان گفت که در صورت دستکاری صورت های مالی، به هدف وجودی صورت های مالی خدشه وارد می‌شود. از این رو کیفیت به عنوان خاصه ای از اطلاعات در بازارهای سرمایه، به حساب می‌آید که، اطلاعات در بازار سرمایه در هر مرحله از فرآیند تهیه و انتشار آن، برای استفاده کنندگان دارای اهمیت است. کیفیت اطلاعات علاوه بر اینکه به استفاده کنندگان در پیش بینی عملکرد آتی کمک می‌کند، می‌تواند به آنها در ارزیابی نتایج گذشته نیز، یاری دهد. این خاصه که یک مفهوم آماری می‌باشد را می‌توان این گونه تعریف کرد: دقیق بودن یک مقیاس با در نظر گرفتن سازه های^۱ مربوط به ارزشیابی آن. بدین ترتیب یک سازه مشخص دارای کیفیت بالاتر، دارای دقت بیشتری نسبت به آن سازه می‌باشد [8].

از آنجا که مفهوم کیفیت یک مفهوم گسترده می‌باشد و در برگیرنده‌ی موضوعات و موارد زیادی می‌باشد، این مفهوم را می‌توان به کیفیت گزارشگری مالی محدود کرد. کیفیت گزارشگری مالی، به عنوان یک نمونه خاص از کیفیت اطلاعات، دارای اهداف زیر می‌باشد:

۱. هدف اولیه گزارشگری مالی با کیفیت در بازار سرمایه این است که از قضاوت‌ها و تصمیم گیری‌های خاص پشتیبانی کند. بنابراین فرآیند گزارشگری مالی از اهمیت بالایی برخوردار است، علت آن هم این است که، اطلاعات دارای کیفیت بالاتر، منتهی به قضاوت‌ها و تصمیم گیری‌های با کیفیت تر می‌شوند و این بدین معنی است که اطلاعات مالی با کیفیت بالا نسبت به اطلاعات مالی با کیفیت پایین از سودمندی بیشتری در تصمیم برخوردار است.

۲. هدف ثانویه کیفیت گزارشگری مالی این است که سیگنال‌هایی را برای استفاده کنندگان در رابطه با این موضوع که تا چه اندازه وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام می‌دهند، می‌فرستد.

در نهایت از مفهوم کیفیت سود، به عنوان شاخصی برای کیفیت گزارشگری مالی، استفاده می‌گردد که برای توجیه این موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عامل اصلی برای انتخاب کیفیت سود به عنوان شاخصی برای کیفیت گزارشگری مالی، دشواری در شناسایی و اندازه گیری شاخص‌های کلی کیفیت گزارشگری مالی، است. به این معنا که، کیفیت سود ممکن است برای خلاصه کردن کیفیت گزارشگری، با توجه به این که مشاهده کیفیت سود نسبت به کیفیت گزارشگری مالی، ساده تر است، توجیه پذیرتر باشد. برخی از محققین نیز کیفیت سود را آماره ای مناسب برای کیفیت گزارشگری مالی

¹ Construct

می‌دانند و بیان می‌کنند که سود مهمترین شاخص خروجی فرآیند گزارشگری به حساب می‌آید، به همین علت تمرکز بر سود مناسب است.

۲. همچنین تمرکز بر کیفیت سود می‌تواند از طریق این امر که سود و مقیاس‌های مبتنی بر آن در همه جا وجود دارند، توجیه گردد. این معیار در قرارداد های پاداش و استقراض و حتی پرداختی‌ها به کارکنان ظاهر می‌شود. در نتیجه سود مناسب، منتهی به کیفیت بالای گزارشگری مالی شده و در نهایت منجر به تخصیص بهینه منابع در بازار سرمایه می‌شود [8].

باید خاطر نشان کرد که این ایده یعنی استفاده از کیفیت سود به عنوان شاخصی برای کیفیت گزارشگری مالی، به این معنا نیست که تحقیق در زمینه کیفیت گزارشگری مالی می‌بایست منحصر بر سود تمرکز کند، بلکه موارد دیگری از جمله ترازنامه نیز حاوی اطلاعات با اهمیتی است که در سود وجود ندارد، از این رو انتظار می‌رود که مکمل یکدیگر باشند. در نتیجه با توجه به دلایل ذکر شده می‌توان به اهمیت ذاتی کیفیت سود به عنوان عاملی مهم برای سودمندی در تصمیم و در نهایت تخصیص بهینه منابع کمیاب، پی برد.

۳) فقدان تعریف دقیق از کیفیت سود

با توجه به اینکه کیفیت سود از اهمیت بالایی برخوردار بوده و جزء مفاهیم اصلی حسابداری می‌باشد، دارای تفاسیر گوناگونی میان محققین است، به طوری که اتفاق نظر گسترده‌ای میان تعاریف کیفیت سود، وجود ندارد. به عنوان مثال Hermanns [9] در سال ۲۰۰۶ بیان کرده است، موضوع کیفیت سود یک حوزه پیچیده می‌باشد که هیچ محقق قادر به فراهم کردن تعریف منحصر به فردی برای آن نشده است.

محققین از تعاریف مختلفی برای کیفیت سود استفاده کرده‌اند که تعدادی از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

- Zhang و Penman در سال ۲۰۰۲ کیفیت سود را در ثبات می‌بینند. به این معنا که بیان می‌کنند هرچه ثبات سود بیشتر شود، کیفیت سود بالاتر است.
- Vincent و Schipper در سال ۲۰۰۳ کیفیت سود را نسبت به سود هیکنس^۱ می‌بینند. به این معنی که کیفیت سود برابر است با اندازه‌ای که سود گزارش شده به صورت منصفانه، سود هیکنس را نشان دهد. بنابراین از دید وی سود حسابداری باید به گونه‌ای درست و صادقانه، تغییرات در ثروت را نشان دهد.
- Watts در سال ۲۰۰۳ کیفیت سود را تحت قواعد محافظه کاری بدست می‌آورد.
- Mcvay در سال ۲۰۰۶ بیان می‌کند، سودی دارای کیفیت است که ارقام غیر تکراری و استثنایی ندارد.
- Dichev و Dechow [5]، در سال ۲۰۰۲ کیفیت سود را براساس تطابق جریان‌های نقد گذشته، حال و آینده با تعهدی‌ها، تعریف می‌کنند.
- در نهایت شاید کامل‌ترین تعریف را Dechow و همکاران [6] در سال ۲۰۱۰ براساس بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۱^۱ ارائه کرده باشد: کیفیت سود بالا، اطلاعات بیشتری در رابطه با ویژگی‌های عملکرد مالی یک

^۱ بیشترین مقداری که می‌تواند مصرف شود تا ثروت حفظ گردد.

شرکت برای تصمیم گیرندگان، در تجزیه و تحلیل عملکرد مالی آن شرکت، فراهم می کند. ۳ ویژگی در رابطه با این تعریف وجود دارد :

۱. کیفیت سود به تنهایی هیچ تعریفی ندارد و تنها در کنار مدل تصمیم، معنا پیدا می کند.
۲. کیفیت ارقام سود گزارش شده به آگاهی دهندگی آن در رابطه با عملکرد مالی شرکت، مربوط است و بسیاری از جنبه های آن قابل مشاهده نیست.
۳. کیفیت سود تنها محدود به تصمیمات ارزیابی سهام نمی باشد، بلکه شامل هر گونه تصمیم گیری در رابطه با عملکرد شرکت است.

در سال ۲۰۱۲، Dichev و همکاران تحقیق جالبی را به منظور بررسی میزان اتفاق نظر در تعاریف سود انجام دادند. آنها ۳۲۰ پاسخ دهنده را مورد بررسی قرار دادند تا براساس اتفاق نظر میان آنها تعاریف و خاصه های کیفیت سود را اولویت بندی نمایند، و در نهایت بتوانند از این طریق به تعریف دقیقی بر مبنای بیشترین اتفاق نظر، دست پیدا کنند. پاسخ دهندگان در رابطه با این که مهمترین تعریف و خاصه کیفیت سود چیست، نظرات خود را ارائه کردند. با توجه به نظرات آنها، کیفیت سود بالاتر دارای ویژگی هایی از جمله ثبات و تکرار پذیری بیشتر، تطابق سود با جریان های نقدی و فقدان اقلام استثنایی، می باشد. در نتیجه آنها بازم به یک تعریف دقیق و منحصر به فردی در رابطه با کیفیت سود دست پیدا نکردند.

علت این عدم توافق میان افراد را باید در فقدان تعریف دقیقی از خود سود جستجو کرد. تا زمانی که ما حسابداران تعریف دقیقی از سود نداشته باشیم، نمی توانیم مفهوم آماری کیفیت را تعریف کنیم. البته خود فقدان مفهوم دقیق سود را هم باید در پنداشت های متفاوت افراد از واقعیت یافت کرد. به عنوان مثال فردی ارزش کالایی را بر مبنای ارزش خروجی می پندارد ولی فرد دیگر ارزش همان کالا را بر مبنایی ارزش ورودی، می بیند [12].

از مهمترین پیامدهای فقدان تعریف دقیق برای مفهوم کیفیت سود، نبود مقیاس اندازه گیری منحصر به فرد برای آن می باشد [6]. در نتیجه ممکن است از مقیاس های مختلف استفاده کرده و این مقیاس ها نتایج مشابهی را به همراه نداشته باشند (در بخش ۶ به آن اشاره می شود).

۴) شاخص ها و گرایشات تحقیقاتی کیفیت سود

Dechow و همکاران [6]، در سال ۲۰۱۰ طبقه بندی از جهت گیری های تحقیقاتی در زمینه کیفیت سود ارائه داده است که شامل ۳ بخش می باشد.

۱) ویژگی های سود که شامل، ثبات سود و تعهدی ها، هموارسازی سود، غلبه کردن بر هدف (رسیدن به سود مورد پیش بینی) و عدم تقارن در به موقع بودن و شناسایی به موقع زیان، می باشد.

^۲ Statement of Financial Accounting Concepts 1 (SFAC1)

۲) واکنش های سرمایه گذاران به سود شامل، مقالاتی است که یا ضریب واکنش سود^۱ را بررسی می کنند و یا از ضریب تعیین (R^2) مدل های بازده سود استفاده می کنند .

۳) شاخص های خارجی گمراه کننده بودن سود که شامل، تجدید ارائه و اثرات ناشی از قانون سارینز آکسلی می باشد. در ادامه به ارائه توضیحی در رابطه با هر کدام از موارد فوق می پردازیم.

۱) ویژگی های سود^۲

۱-۱) ثبات سود و تعهدی ها^۳

به طور کلی در این مقاله دو دسته گسترده از تحقیقات وجود دارد. دسته اول، براساس این فرض است که ثبات بالاتر سود، از ورودی های بهتری برای مدل های ارزشیابی سهام، سود می برد و از این رو، ارقام سود دارای ثبات بیشتر، دارای کیفیت سود بالاتر نسبت به ارقام سود دارای ثبات کمتر است. هدف این تحقیقات این است که ویژگی های مالی مربوط به ثبات سود را شناسایی کنند. این نوع تحقیقات که از ثبات سود به عنوان نماینده کیفیت سود، استفاده می کنند، ناچیز می باشند. علت آن هم در فروض آن نهفته است، یعنی هرچه سود با ثبات تر باشد، برای ارزشیابی سهام سودمندتر است. بنابراین، دومین دسته گسترده تحقیقات تلاش کرده اند، این مساله را مورد بررسی قرار دهند که آیا استفاده از سود در تصمیم گیری، منجر به بهبود نتایج ارزشیابی سهام می شود یا خیر؟ مهمترین مساله در ادبیات این نوع تحقیقات، مبنای استفاده برای ارزشیابی نتایج بازار سهام می باشد.

از مدل های استفاده شده در ادبیات ثبات سود به عنوان نماینده ای برای کیفیت سود، می توان به دو مدل زیر اشاره کرد:

$$1. \text{Earnings}_{t+1} = \alpha + \beta \text{Earnings}_t + \varepsilon_t$$

سود در سالهای $t, t+1$, $\text{Earnings}_{t+1}, t = t+1$

در توضیح این مدل باید گفت که هر چه ضریب سود در سال t (β) بیشتر باشد، ثبات نیز بیشتر بوده، در نتیجه سود نیز از کیفیت بالاتری برخوردار است. ÷

$$2. \text{Earnings}_{t+1} = \alpha + \beta_1 \text{CF}_t + \beta_2 \text{Accruals}_t + \varepsilon_t$$

سود در سالهای $t+1$, $\text{Earnings}_{t+1} = t+1$

$\text{CF}_t = t$ سال جریان های نقدی در سال t

$\text{Accruals}_t = t$ تعهدی ها در سال t

این مدل، گسترش یافته مدل قبلی می باشد که ثبات سود را از طریق تقسیم سود به دو بخش جریان های نقدی و تعهدی ها، بررسی می کند. در این مدل هر چه ضریب β_1 بیشتر از β_2 باشد، ثبات و پایداری سود نیز بیشتر است.

^۱ Earnings response coefficient

^۲ Properties of earnings

^۳ Earnings persistence and accruals

از عوامل تعیین کننده ی ثبات در سود، می توان به تعهدی ها اشاره کرد. یکی از جنبه های سردرگم کننده این حوزه، این موضوع است که تعهدی ها در طول زمان دارای تعاریف متفاوتی بوده اند. در تحقیقات اولیه که گزارش صورت جریان وجوه نقد الزامی نبود، تعهدی ها به عنوان سرمایه در گردش غیر نقدی^۱ و استهلاک تعریف می شدند و ارقام آن از صورت سرمایه در گردش و ترازنامه گرفته می شد. بعد از معرفی کردن صورت جریان وجوه نقد، تعهدی ها اغلب به عنوان تفاوت میان سود و جریان های نقدی که از صورت جریان وجوه نقد گرفته می شد، بدست می آمد. این رویکرد از زمان تحقیق Collins و Hriber در سال ۲۰۰۲ مورد توجه قرار گرفت و مزیت آن این است که در زمان تحصیل و ادغام شرکت ها، اشتباهات محاسباتی کمتری در مدل رخ می دهد.

باید به این موضوع هم اشاره کرد که ثبات کمتری در جزء تعهدی نسبت به جزء نقدی سود، وجود دارد. ثبات کمتر جزء تعهدی بیان کننده این موضوع نیست که تعهدی ها سودمند نمی باشند. نتایج به طور ساده بیان می کند، زمانی که سود به طور قابل ملاحظه ای از تعهدی ها تشکیل شده باشد، نسبت به زمانی که به طور قابل ملاحظه ای از جزء نقدی ایجاد گردد، ثبات کمتری دارد ولی در عین حال، سود دارای جزء تعهدی زیاد، دارای اشتباهات کمتری در پیش بینی ها نسبت به سود دارای بخش نقدی زیاد، هستند. در نتیجه، دارای سودمندی برای استفاده کنندگان خود می باشد.

در این گونه از تحقیقات برای عملیاتی کردن مفهوم تعهدی ها، برخی از محققین سود را به دو بخش، کل تعهدی و جریان های نقدی (Richardson, 2005)، تقسیم کرده اند و عده ای دیگر، تعهدی های سرمایه در گردش را به ۲ قسمت موجودی کالا و حسابهای دریافتی تفکیک کرده اند (Lev, 1993). از عوامل تعیین کننده ی دیگر برای پیش بینی ثبات سود می توان به تحقیقی که توسط Li در سال ۲۰۰۸ صورت گرفت، اشاره کرد. وی بیان می کند که شرکت هایی که دارای گزارشات مالی خواندنی تری هستند، دارای سود با ثبات تری نیز می باشند.

سایر تحقیقات میان تعهدی های اختیاری^۲ و غیر اختیاری^۳ تمایز قائل شده اند. تعهدی های غیر اختیاری اشاره به تعهدی هایی دارد که منعکس کننده عملکرد بنیادی شرکت هستند ولی تعهدی های اختیاری اشاره به تعهدی هایی دارند که در کنترل مدیریت می باشد و اغلب توسط مدیران دستکاری می شوند.

تفسیر کلی آن بیان کننده این است که اگر جزء اختیاری تعهدی ها به خوبی مدل سازی شود، آن جزء اختیاری نشان دهنده کیفیت پایین سود است. به عنوان مثال می توان به مقاله جونز در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد.

در ادبیات کیفیت سود به منظور بررسی تعهدی ها از مدل هایی استفاده شده است که در ادامه به بررسی تعدادی از آنها می پردازیم.

¹ Non-cash working capital

² Discretion

³ Non-Discretion

الف) مدل جونز^۱

$$ACC_t = \alpha + \beta_1 \Delta Rev_t + \beta_2 PPE_t + \varepsilon_t$$

ACC_t = کل تعهدی‌ها در سال t

ΔRev_t = تغییرات در درآمد فروش در سال t

PPE_t = اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص در سال t

ε_t = تعهدی‌های اختیاری در سال t

جونز [10] در سال ۱۹۹۱ مفهوم تعهدی‌های اختیاری را معرفی کرد که به عنوان شاخصی برای کیفیت سود، به حساب می‌آید. این مدل تخمینی مستقیم می‌باشد که از مبانی حسابداری به عنوان شاخص تعهدی‌های غیر اختیاری استفاده می‌کند. فرض اصلی جونز در مقاله خود این است که هر چه تعهدی‌های اختیاری شرکت در طول زمان افزایش یابد، به این معنا است که مدیریت سود انجام گرفته است و در نتیجه کیفیت سود پایین است (با در نظر گرفتن این موضوع که تعهدی‌ها برگشت پذیر هستند). با توجه به این موضوع، هدف اصلی این است که تعهدی‌های اختیاری از غیر اختیاری جدا شود. برای این کار از مدل رگرسیون برای محاسبه تعهدی‌ها استفاده شده است. این موضوع از این ایده نشأت می‌گیرد که تعهدی‌ها به احتمال زیاد نتیجه فعالیت‌های اختیاری مدیریت و تغییر در محیط اقتصادی شرکت است. در نهایت جزء اخلاص‌های^۲ رگرسیون، به عنوان تعهدات اختیاری در نظر گرفته می‌شوند.

ب) مدل تعدیل شده جونز^۳

$$ACC_t = \alpha + \beta_1 (\Delta Rev_t - \Delta Rec_t) + \beta_2 PPE_t + \varepsilon_t$$

ACC_t = کل تعهدی‌ها در سال t

ΔRev_t = تغییرات در درآمد فروش در سال t

PPE_t = اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص در سال t

ΔRec_t = تغییرات در حسابهای دریافتی در سال t

ε_t = تعهدی‌های اختیاری در سال t

مدل تعدیل شده جونز توسط Dechow و همکاران در سال ۱۹۹۵ ارائه گردید. این مدل همان مدل جونز می‌باشد با این تفاوت که آنها تغییرات در حسابهای دریافتی را هم وارد مدل کردند. علت وارد کردن این متغیر این است که ممکن است قسمتی از فروش شرکت، اعتباری بوده و در نتیجه به طور مکرر مورد دستکاری مدیریت قرار گیرد. در نهایت از این طریق متغیر تغییرات در فروش که یک متغیر برای تعهدی‌های غیر اختیاری می‌باشد را محدودتر کرده و قدرت مدل جونز را افزایش داده اند.

¹ Jones Model

² Residual

³ Modified Jones Model

ج) مدل دچو و دیچو [5] (Dechow&Dichev Model)

$$\Delta WC = \alpha + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \varepsilon_t$$

ΔWC = تغییرات در سرمایه در گردش

$CFO_{t-1, t, t+1}$ = جریان‌های نقدی عملیاتی در سالهای $t-1, t, t+1$

ε_t = میزان عدم تطابق میان تعهدی‌ها و جریان‌های نقدی آتی

مدل دچو و دیچو (Dechow&Dichev, 2002) [5] نسبت به مدل جونز، دارای تمایز می‌باشد. فرض اصلی این مدل بر مبنای این موضوع است که کیفیت سود از طریق اشتباهات در پیش بینی و اندازه گیری تعهدی‌ها، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به عبارت دقیق تر می‌توان گفت که در این مدل، کیفیت سود بر اساس مقدار خطای پیش بینی تعهدی‌ها بدست می‌آید. معیار آنها در کیفیت تعهدی‌ها بر این مبناست که باید میان تعهدی‌های سرمایه در گردش و جریان‌های نقد عملیاتی، تطابق وجود داشته باشد. تطابق ضعیف نشان دهنده کیفیت تعهدی‌های پایین است. آنها از مدل رگرسیون که تغییر در سرمایه در گردش را از طریق جریان‌های نقدی عملیاتی سال گذشته، حال و آینده، بدست می‌آورد، برای محاسبه خطای پیش بینی تعهدی‌ها یا همان جزء اخلاص‌ها، استفاده کرده‌اند. انحراف معیار جزء اخلاص‌ها نشان دهنده ε_t ، میزان کیفیت سود می‌باشد. هر چه انحراف معیار بالاتر باشد، کیفیت سود نیز پایین تر است.

د) مدل تعدیل شده دچو و دیچو¹

$$TCA_t = \alpha + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \beta_4 \Delta Rev_t + \beta_5 PPE_t + \varepsilon_t$$

$$\sigma(\varepsilon_t) = \alpha + \lambda_1 Size_t + \lambda_2 \sigma(CFO)_t + \lambda_3 \sigma(Rev)_t + \lambda_4 \log(OperCycle)_t + \lambda_5 NegEarn_t + v_t$$

$Size_t$ = کل دارایی‌ها در سال t

$OperCycle$ = چرخه عملیاتی شرکت

$NegEarn_t$ = تعداد سالهایی که شرکت سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه منفی را گزارش کرده است

مدل تعدیل شده دچو و دیچو در سال 2005 توسط Francis و همکاران ارائه شد. اصلاحات انجام گرفته در این مدل به دو بخش تقسیم می‌گردد.

۱ - آنها متغیر تغییرات در درآمد ΔRev_t را به عنوان یک شاخص برای منعکس کردن عملکرد شرکت، به مدل اضافه

کردند. علاوه بر این از متغیر PPE_t برای اینکه تعهدی‌های غیر اختیاری مدل را گسترش دهند، استفاده نمودند.

۲ - آنها انحراف معیار جزء اخلاص‌های مدل دچو و دیچو را به دو قسمت، اشتباهات در برآورد اختیاری و اشتباهات در

برآورد غیر اختیاری (که مربوط به اشتباهات ذاتی می‌شود) تقسیم بندی کردند. این امر به آنها اجازه می‌داد که

انتخاب‌های مدیریت (مثلا خطاهای عددی) را نیز در نظر بگیرند. انحراف معیار جزء اخلاص‌ها، نشان دهنده ε_t

¹ Modified Dechow&Dichev Model

کیفیت سود است. هر چه این انحراف معیار بالا باشد، کیفیت سود پایین است. در مدل فوق V_t نشان دهنده کیفیت ارقام تعهدی اختیاری است.

داریوش فروغی و سحر قجاوند (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر کیفیت اطلاعات بر نقدشوندگی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها برای بررسی کیفیت اطلاعات از دو متغیر کیفیت ارقام تعهدی و دقت پیش بینی درآمد هر سهم استفاده نمودند که برای اندازه گیری کیفیت ارقام تعهدی از مدل فرانسیس (۲۰۰۵) و برای دقت پیش بینی هر سهم نیز از مدل گام تصادفی استفاده نمودند. نتایج آنها نشان می دهد که بین کیفیت ارقام تعهدی و دقت پیش بینی درآمد با نقد شونگی رابطه ی معناداری وجود دارد. بنابراین آنها بر مبنای این نتایج به این نتیجه ی کلی دست یافتند که بین کیفیت اطلاعات و نقدشوندگی سهام رابطه ی معناداری وجود دارد [۲].

۲-۱) هموار سازی سود^۱:

عقیده اصلی سیستم سود مبتنی بر تعهدی ها این است که سود در برابر نوسانات تصادفی در زمان دریافت و پرداخت نقدی، هموار سازی می شوند و این امر منجر به این می شود که سود آگاهی دهندگی بیشتری نسبت به جریان های نقدی در ارتباط با عملکرد شرکت داشته باشد.

در حالی که بیانیه مفاهیم نظری این موضوع را بیان نمی کند که هموار سازی ضرورتا برای سود خوب است، اشاره به این موضوع دارد که سود تعهدی به کاهش مشکلات مربوط به عدم تطابق دریافتی ها و پرداختی های نقدی کمک می کند و نتیجه می گیرد که سود تعهدی به صورت بهتری عملکرد جاری و آتی شرکت را نسبت به اطلاعات محدود شده نقدی، ارائه می دهد.

در ارزیابی هموار سازی سود به عنوان معیاری برای کیفیت سود، باید دو موضوع را مورد توجه قرار داد:

۱. همانطور که بیان شد، تدوین کنندگان استاندارد ها به طور موثری الزام کردند که، سیستم حسابداری تعهدی نسبت به سیستم حسابداری نقدی، برقرار شود. فرض زیربنایی انتخاب تدوین کنندگان استاندارد، این است که سود تعهدی معیار بهتری برای ارائه عملکرد اصلی شرکت نسبت به معیار سود مبتنی بر سیستم نقدی، می باشد. باید به این نکته توجه کرد که، این فرض برای بسیاری از فعالیت های تجاری صادق است، ولی در هر صورت این تنها یک فرض می باشد. تعهدی هایی که منتهی به هموار سازی می شوند، می توانند تغییرات عملکرد زیربنایی را به تاخیر بیاورند و یا مخفی کنند. بنابراین حتی در صورت نبود انتخاب های حسابداری توسط شرکت ها در رابطه با روش های حسابداری، هموار سازی یک شاخص غیر رسمی برای کیفیت بالای حسابداری نمی باشد.
۲. موضوع دوم در ارزیابی هموار سازی به عنوان مقیاسی برای کیفیت سود، اثر انتخاب های حسابداری شرکت می باشد. تحقیقات تجربی در این رابطه ۲ سوال را مورد ارزیابی قرار می دهند. سوال اول این است که مدیران، چه زمانی از انتخاب های حسابداری برای هموار سازی استفاده می کنند؟ در این گونه تحقیقات این موضوع مورد

¹ Earnings smoothness

بررسی قرار می‌گیرد که آیا انتخاب‌های حسابداری، منعکس‌کننده‌ی هدف هموارسازی است و به این که آیا هدف هموارسازی منجر به بهبود کیفیت سود می‌شود توجهی ندارد. سوال دوم به این ترتیب می‌باشد که آیا هموارسازی سود شرکت، تفاوت‌هایی را در آگاهی‌دهندگی عملکرد زیربنایی منعکس می‌کند یا خیر؟ از یک طرف، ممکن است باعث افزایش آگاهی‌دهندگی شود و از طرفی ممکن است در راستای انگیزه‌های فرصت‌طلبانه، منجر به کاهش آگاهی‌دهندگی گردد.

۱-۳) غلبه کردن بر هدف^۱:

دسته اول این نوع تحقیقات بیان می‌کند که از نظر آماری، شرکت‌های کمی دارای زیان کم و ناچیز هستند و در مقابل شرکت‌های زیادی، دارای سود کم و ناچیز می‌باشند. تفسیر عام اما بحث بر انگیز این الگو، این است که شرکت‌هایی که دارای زیان هستند، مدیریت سود کرده و زیان شرکت را به سود (هر چند کم) تبدیل می‌کنند. بر این اساس، مقیاس‌های سودی مانند سود کم و اجتناب از زیان کم به عنوان شاخصی برای مدیریت سود و در نتیجه کیفیت سود تبدیل شده است. دسته دوم تحقیقات، به غلبه کردن بر پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران توجه دارند و بیان می‌کنند که مدیران به علت اثر منفی ناشی از غلبه نکردن و یا نرسیدن به سود پیش‌بینی شده توسط تحلیل‌گران، مدیریت سود کرده و بدین ترتیب بر کیفیت سود، اثر گذار خواهند بود.

دسته سوم تحقیقات در این حوزه، بدین ترتیب است که مدیران برای جلوگیری از اثرات منفی بر فرصت رشد شرکت، به مدیریت سود برای رسیدن یا غلبه بر پیش‌بینی سود تحلیل‌گران، مبادرت می‌ورزند.

۱-۴) عدم تقارن در به موقع بودن و شناسایی به موقع زیان^۲:

از نظر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و همچنین مراجع قانون‌گذار و تدوین‌کنندگان استانداردها، شناسایی به موقع زیان نسبت به سود یکی از معیارهای مهم کیفیت سود می‌باشد. بنابراین هر چه زیان به موقع‌تر شناسایی شود گفته می‌شود که سود دارای کیفیت بالاتری است. به منظور بررسی این موضوع که آیا زیان نسبت به سود زودتر و به موقع‌تر شناسایی می‌شود یا خیر، Basu در سال ۱۹۹۷، دو مدل را ارائه نمود:
 ■ مدل اول، رگرسیون معکوس بازده^۳ سود:

$$\text{Earnings}_{t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 D_t + \beta_0 \text{Ret}_t + \beta_1 D_t \times \text{Ret}_t + \varepsilon_t$$

Earnings_{t+1} = سود در سال t+1

Ret_t = بازده سهام در سال t

¹ Target beating

² Asymmetric timeliness and timely loss recognition

³ Reverse Earning-Return Regression

که در مدل فوق D_t یک متغیر موهومی^۱ است که هرگاه بازده (Ret) منفی شود، D_t برابر با یک می‌باشد و در غیر این صورت صفر است. بنابراین اگر فرضیه شناسایی به موقع زیان نسبت به سود درست باشد باید β_1 یک عدد بزرگ شود که Basu در سال ۱۹۹۷ این فرضیه را تایید نمود.

▪ مدل دوم:

$$\Delta NI_t = \alpha_0 + \alpha_1 \text{NEGDUM}_{t-1} + \alpha_2 \Delta NI_{t-1} + \alpha_3 (\text{NEGDUM}_{t-1} \times \Delta NI_{t-1}) + \varepsilon_t$$

$\Delta NI_{t,t-1} = t, t-1$ تغییرات سود خالص در سال

که در مدل فوق NEGDUM یک متغیر موهومی است که هرگاه تغییرات سود خالص سال گذشته (ΔNI_{t-1}) منفی باشد، برابر با یک خواهد بود و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود. بنابراین اگر فرضیه شناسایی به موقع تر زیان نسبت به سود درست باشد، تغییرات منفی سود دارای ثبات کمتری است. در نتیجه در مدل فوق باید ضریب α_3 منفی باشد، Basu در سال ۱۹۹۷ این فرضیه را نیز با استفاده از این مدل تایید کرد.

مسئله ای که باید به آن اشاره کرد این موضوع است که این جنبه از کیفیت سود به محافظه کاری اشاره می‌کند. در ایران تحقیقات بسیاری در زمینه ی محافظه کاری صورت گرفته که به عنوان نمونه می‌توان به مطالعه ی مشایخی و سادات نصیری (۱۳۹۱) اشاره نمود که به بررسی تغییرات سری زمانی محافظه کاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که به طور قطع نمی‌توان ادعا نمود که محافظه کاری در طول زمان افزایش یافته است [۳].

۲) واکنش های سرمایه گذاران به سود :

واکنش های سرمایه گذاران به سود شامل تحقیقات در رابطه با بررسی ضریب واکنش سود که اکثرا در یک محدوده کوتاه مدت^۲ انجام می‌شود و R^2 که از مدل های سود - بازده، بدست می‌آید، می‌باشد. این تحقیقات بیان می‌کنند که واکنش سرمایه گذاران به سود یک نماینده مستقیم برای کیفیت سود می‌باشد. چنین استدلال می‌شود که سرمایه گذاران دارای یک دیدگاه در رابطه با عملکرد شرکت هستند، زمانی که صورت سود و زیان دارای کیفیت بالایی باشد، آنها بیشتر از اطلاعات این صورت استفاده کرده و در دیدگاه های خود نسبت به شرکت، تجدید نظر خواهند کرد. برای اندازه گیری واکنش، رابطه میان آن قسمت از سود غیر عادی را با آن بخش از بازده غیر عادی سهام، بدست می‌آورند و زمانی که رابطه مثبت و قوی وجود داشته باشد، نشان دهنده این است که سود دارای کیفیت بالایی می‌باشد.

تعدادی از عوامل تعیین کننده بر ضریب واکنش سود، به شرح ذیل است :

الف) بتا : بتا یکی از عوامل تعیین کننده ضریب واکنش سود می‌باشد. هر چه بتای یک شرکت بالاتر باشد، آن شرکت دارای ریسک بالاتری است، در نتیجه این امر منجر به ضریب واکنش سود کمتری برای آن شرکت می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید که سرمایه گذار، از اخبار خوب یک دسته سهام، آگاه می‌شود. در نتیجه دیدگاه خود را تجدید کرده و شروع به

¹ Dummy

² Narrow Window

خریدن آن سهام می‌کند. اکنون، حالتی را فرض کنید که آن شرکت‌ها دارای بتای بالایی می‌باشند، زمانی که سرمایه‌گذار از اخبار خوب شرکت آگاه می‌شود، دیدگاه خود را نسبت به حالت قبل (به علت افزایش ریسک) کمتر تجدید می‌کند و حاضر به خریدن مقدار کمتری سهام نسبت به حالت گذشته خواهد بود، در نتیجه ضریب واکنش سود نیز کاهش می‌یابد [11].

ب) ساختار سرمایه: برای شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، افزایش در سود قبل از بهره، اعتبار اوراق منتشره شرکت را افزایش می‌دهد. در نتیجه بیشتر اخبار خوب در رابطه با سود، به سمت دارندگان اوراق می‌رود تا اینکه به سمت سهامداران رفته باشد. بنابراین، ضریب واکنش سود برای شرکت‌هایی که دارای اهرم بالایی هستند، نسبت به شرکت‌هایی که دارای اهرم پایینی می‌باشند، کمتر خواهد بود.

ج) فرصت رشد: فرصت رشد شرکت‌ها براساس خالص ارزش فعلی¹ آنها محاسبه می‌شود. هرچه یک شرکت دارای خالص ارزش فعلی بالاتری باشد، فرصت رشد آن هم بالاتر است. اخبار خوب یا بد در سود جاری نشان دهنده چشم انداز رشد آتی شرکت می‌باشد، در نتیجه منجر به ضریب واکنش سود بالاتر خواهد بود.

د) ثبات سود: زمانی که انتظار می‌رود اخبار خوب یا بد سود جاری، در آینده نیز ثبات داشته باشد، ضریب واکنش سود بالایی خواهیم داشت، علت آن هم این است که سود جاری، شاخص بهتری برای عملکرد آتی شرکت فراهم می‌آورد [11].

ه) کیفیت حسابرسی: انتظار می‌رود زمانی که حسابرسی یک شرکت با کیفیت بالاتری انجام شود، ضریب واکنش سود بالاتری داشته باشیم، به این علت که با وجود کیفیت حسابرسی بالاتر، اعتبار بالاتری برای صورت‌های مالی خواهیم داشت و سرمایه‌گذاران هم واکنش بیشتری از خود نشان خواهند داد. [6]

ی) انتظارات مشابه سرمایه‌گذاران: انتظار می‌رود که هر چه دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران نسبت به یک شرکت شبیه‌تر باشد، در زمان آگاه شدن از اخبار خوب و بد، ضریب واکنش سود بالاتری داشته باشیم [11].

۳) شاخص‌های خارجی گمراه‌کننده بودن سود:

شاخص‌های خارجی گمراه‌کننده بودن سود شامل، تجدید ارائه و اثرات ناشی از قانون سارینز آکسلی می‌باشد. این شاخص‌ها دارای مزیت‌ها و معایبی هستند. مهمترین مزیت این شاخص‌ها این است که یک منبع خارجی مساله را در رابطه با کیفیت، شناسایی می‌کند (تیم مدیریت، حساب‌رسان). از جمله مهمترین معایب چنین شاخص‌هایی این است که، اگر محقق در انتخاب شرکت‌ها دارای سوپیه باشد، نتایج گمراه‌کننده می‌شود.

۳-۱) تجدید ارائه:

تجدید ارائه یکی از شاخص‌های گمراه‌کننده بودن سود است. هر چه تجدید ارائه در صورت‌های مالی بیشتر شود، نشان دهنده گمراه‌کننده بودن آن صورت‌های مالی است. بسیاری از تحقیقات به بررسی این موضوع که آیا تجدید ارائه با انگیزه مدیریت سود همبستگی دارد یا خیر، پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در رابطه با این موضوع Kedia و Burns در سال ۲۰۰۶ بیان کردند که، مدیرعامل‌هایی که دارای اختیار خرید سهام بیشتری در حقوق و مزایای خود هستند تجدید ارائه صورت

¹ Net Present Value (NPV)

های مالی برای آنها بیشتر است، که این موضوع نشان دهنده مدیریت سود می‌باشد. در تحقیق دیگر که توسط Efendi و همکاران در سال ۲۰۰۵ انجام گرفت، بیان گردید، در شرکت‌هایی که مدیرعامل رئیس هیات مدیره نیز هست، تجدید ارائه بیشتر می‌باشد. واکنش منفی تجدید ارائه این موضوع را نشان می‌دهد که، سود تجدید ارائه شده تصمیمات بازار را در رابطه با ارزشیابی شرکت تغییر می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سودی که در ابتدا گزارش گردیده است دارای سودمندی بر تصمیم‌گیری کمتری (کیفیت پایین) در رابطه با ارزشیابی شرکت نسبت به سود تجدید ارائه شده، است.

۲-۳) ضعف‌های کنترل داخلی (اثرات ناشی از قانون سارینز آکسلی)

اکثر تحقیقات در رابطه با ضعف‌های کنترل داخلی به عنوان نماینده‌ای از گمراه‌کننده بودن سود، مربوط به بعد از نظام سارینز آکسلی، می‌باشد. تحت بخش ۳۰۲ در قانون سارینز آکسلی بیان گردیده است که مدیریت ملزم است که اثر بخش بودن رویه‌های کنترل داخلی شرکت را، تایید کند. بخش ۴۰۴ سارینز آکسلی نیز بیان می‌کند که در گزارشات سالانه، ارزیابی مدیریت در رابطه با اثر بخشی کنترل داخلی، باید افشا شود.

تحقیقات رابطه مثبتی میان کیفیت کنترل داخلی و سایر مقیاس‌های کیفیت سود مانند تعهدی‌های اختیاری و ثبات سود، پیدا کرده‌اند (Doyle et al). این تحقیقات، این مساله را توجیه می‌کنند که استفاده از کاستی‌های گزارش شده کنترل داخلی تحت سارینز آکسلی به عنوان یک مقیاس کیفیت سود، مناسب است. شواهدی در رابطه با پیامدهای ضعف‌های کنترل داخلی گزارش شده نشان می‌دهد که افشای بخش ۳۰۲، نشان دهنده کاستی‌های کنترل داخلی است ولی افشائات بخش ۴۰۴، به نظر نمی‌رسد که منبع اطلاعاتی در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران فراهم کند.

۵) اولویت بندی شاخص‌ها:

در این بخش به این موضوع می‌پردازیم که از میان نماینده‌های اصلی تحقیقات کیفیت سود، کدام یک دارای اهمیت بیشتری می‌باشد. تعیین این موضوع دو مزیت به همراه خواهد داشت: ۱) با اولویت بندی این نماینده‌ها ضرورت برای تحقیق در رابطه با نماینده‌های مهم‌تر، آشکار می‌شود. ۲) نماینده‌هایی که شاید در تحقیقات مد نظر قرارنگرفته‌اند، مشخص می‌گردد.

در تحقیقی که Dichev و همکاران [7] در سال ۲۰۱۲ انجام دادند (که بخشی از آن در قسمت قبل ارائه گردید)، ۳۲۰ پاسخ دهنده مورد بررسی قرار گرفتند. آنها به بررسی این موضوع پرداختند که از نظر پاسخ دهندگان کدام نماینده‌ها، کیفیت سود را بهتر منعکس می‌کنند. نتایج اولویت بندی به ترتیب زیر بوده است:

۱. **ثبات در به کارگیری روش‌های حسابداری در طول زمان**، به این معنی که، کیفیت سود بالا در نتیجه سازگاری در بسیاری از انتخاب‌هایی است که شرکت مرتباً آن را تغییر می‌دهد و برای افراد خارجی قابل مشاهده نمی‌باشد. از جمله آنها به تغییر مکرر از روش "اولین صادره از آخرین وارده" به روش "اولین صادره از اولین وارده" و بلعکس، اشاره کرد.
۲. **عدم به کارگیری برآوردها**، به این معنی که، در صورت سود و زیان خود از مقادیر استفاده نکند. به عنوان مثال، شرکت‌های تجارت‌کننده نفت و گاز از قرارداد‌های بلندمدتی استفاده می‌کنند که نیازمند به کاربردن مدل‌های پیش‌بینی، هستند.

۳. پایداری و ثبات
۴. سودمندی برای پیش بینی سود آتی
۵. سودمندی برای پیش بینی جریان های نقدی
۶. تبدیل تعهدی ها به وجه نقد
۷. شامل نبودن ارقام استثنایی
۸. شناسایی دارایی ها و بدهی ها بر مبنای محافظه کاری
۹. نوسان کمتر نسبت به جریان های نقدی
۱۰. تعهدی های کمتر

ادبیات کیفیت سود نشان می دهد که استفاده از سه نماینده ای که در میان پاسخ دهندگان اولویت بالاتری دارد، در تحقیقات کمتر مورد استفاده قرار گرفته و این موضوع فرصتی برای تحقیقات آتی فراهم می کند.

۶) ابهام تحقیقات کیفیت سود

همانطور که در بخش های قبل بیان گردید، واژه کیفیت سودی که به صورت گسترده ای مورد استفاده قرار می گیرد، نه تعریف دقیق و به تبع نه معیار اندازه گیری دقیق برای آن وجود دارد. همین امر باعث به وجود آمدن مهم ترین ابهام تحقیقات کیفیت سود شده است. این ابهام به این ترتیب می باشد که با توجه به اینکه معیار دقیق اندازه گیری کیفیت سود وجود ندارد، آیا نتایج این معیارها با هم تطابق دارند یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال می توان به تحقیقی که Abdelghany [4] در سال 2005 ارائه داده است، اشاره نمود. وی از سه معیار کیفیت سود (که مبنای حسابداری نیز داشتند)، در تحقیق خود استفاده کرده است. فرض او به این صورت است که اگر سه معیار در یک صنعت و یا در یک شرکت به یک نتیجه مشابه دست پیدا کند، این موضوع نشان دهنده این است که اطلاعات حسابداری عملکرد واقعی شرکت را ارائه می دهند و نتایج معیارها با هم همبستگی مثبت دارند. در غیر این صورت، اگر سه رویکرد در یک صنعت یا یک شرکت به یک نتیجه مشابه نسبت به کیفیت سود نرسند، این موضوع عدم سازگاری میان معیارها و مقیاس های کیفیت سود را نشان می دهد.

- معیار اول مورد استفاده توسط وی بر نوسان پذیری سود تمرکز دارد که ایده آن مبتنی بر این موضوع است که مدیریت به علت اینکه اعتقاد دارد سرمایه گذاران به افزایش یکنواخت سود علاقه مند هستند، گرایش به هموارسازی سود می کند. مفهوم این رویکرد این است نوسان پذیری سود وجود نداشته باشد.
- معیار دوم به این ترتیب است که کیفیت سود را از طریق شاخص های غافلگیری سود که نسبتی از مانده اول دوره خالص دارایی های عملیاتی نسبت به فروش است، بدست می آید. هرچه نسبت کوچکتر باشد، کیفیت سود بالاتر خواهد بود.
- رویکرد سوم، کیفیت سود را از طریق نسبت جریان های عملیاتی بر سود خالص اندازه گیری می کند. نسبت پایین تر، کیفیت سود بالاتر را منجر می شود.

نتایج تحقیقات بدین ترتیب بود که وی با استفاده از سه معیار برای ارزیابی کیفیت سود، به نتایج مشابهی دست پیدا نکرد. علت آن هم در این است که تعریف و تکنیک هایی که بر روی آن اتفاق نظر باشد، وجود ندارد. به همین ترتیب ابهام این گونه شکل می گیرد که اگر زمانی یک شرکت بر مبنای معیاری، کیفیت پائینی از سود را نشان دهد، نمی توان به آن شرکت کیفیت پایین سود را نسبت داد، به این دلیل که ممکن است با معیار و تکنیک اندازه گیری دیگری به نتیجه معکوس آن دست پیدا کنیم.

۷) نتیجه گیری

این تحقیق به بررسی مفهوم کیفیت سود پرداخته است. ابتدا اهمیت ذاتی تحقیقات کیفیت سود به عنوان یک شاخص مهم برای ارائه کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت کیفیت اطلاعات، بیان گردید. در بخش بعدی تعاریف مهم از مفهوم کیفیت سود ارائه شد و به موضوع عدم توافق میان تعاریف کیفیت سود پرداخته شد. بخش دیگر این تحقیق به جهت گیری های و نماینده های اصلی تحقیقات کیفیت سود اشاره دارد و در قسمت بعدی هم، ابهام اصلی معیارهای اندازه گیری تحقیقات کیفیت سود، بیان گردیده است.

نتیجه اولیه ای که از این تحقیق می توان گرفت این است که نباید انتظار داشت که تعریف دقیق و در نتیجه معیار اندازه گیری دقیقی برای کیفیت سود وجود داشته باشد. علت این موضوع هم به خود مفهوم سود بر می گردد. تا زمانی که مفهوم دقیقی از سود میان افراد وجود نداشته باشد، نمی توان مفهوم کیفیت سود را به صورت دقیق و با اتفاق نظر بالا، تعریف کرد. دلیل فقدان تعریف دقیق از سود نیز باید در پنداشت های مختلف افراد از واقعیت، یافت کرد [12].

موضوع بعدی که باید به آن توجه کرد این است که با در نظر گرفتن اینکه نمی توان به یک تعریف دقیق برای مفهوم کیفیت سود دست پیدا کرد، نباید تصور کرد که این تحقیقات سودمند نمی باشند. به این علت که علاوه بر اینکه این تحقیقات دانش و درک موجود از مفهوم کیفیت سود را گسترش می دهند، بر رویه عمل حسابداری نیز تاثیر گذار بوده و منجر به افزایش کارایی آن می گردد.

نتیجه نهایی که می توان گرفت این است که معیارهای مختلف اندازه گیری کیفیت سود، گاهی اوقات دارای نتایج مختلفی هستند و با هم تطابق ندارند. در نتیجه اگر زمانی یک شرکت بر مبنای معیاری مشخص، کیفیت پائینی از سود را به نمایش بگذارد، نمی توان به آن شرکت کیفیت پایین سود را نسبت داد، زیرا ممکن است با معیار اندازه گیری دیگری به نتیجه معکوس آن دست پیدا کنیم.

منابع :

۱. دستگیر، محسن و حسینی، سید احسان، (۱۳۹۲)، "مروری جامع بر مدیریت سود"، **مطالعات حسابداری و**

حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، پاییز، شماره ۷.

۲. فروغی، داریوش و قجاوند، سحر، (۱۳۹۱)، "تاثیر کیفیت اطلاعات بر نقدشوندگی سهام در شرکت های پذیرفته

شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، پاییز، شماره

۳.

۳. مشایخی، بیتا و نصیری، سپیده سادات، (۱۳۹۱)، "تغییرات سری زمانی محافظه کاری در حسابداری شرکت های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران،

تابستان، شماره ۲.

4. Abdelghany, K. E., (2005), "Measuring the quality of earnings", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 20 No. 9, PP. 1001-1015.
5. Dechow, P., Dichev, I., (2002), "The quality of accruals and earnings, the role of accrual estimation errors", **The Accounting Review**, Vol. 77, PP. 35-59.
6. Dechow, P. M., W. Ge, and C. Schrand, (2010), "Understanding Earnings Quality, A Review of the Proxies, Their Determinants and Their Consequences", **Journal of accounting and economics**, Vol. 50, PP. 344-401.
7. Dichev, I., J. Graham and S. Rajgopal, (2012), "Earnings Quality", working paper , www.hbs.edu/units/am/pdf/Earnings%20Quality.pdf
8. Francis, J., P. Olsson and K. Schipper, (2006), "Earnings Quality", **Foundations and Trends in Accounting**, Vol. 1, PP. 259-340.
9. Hermanns, S., (2006), "Financial Information and Earnings Quality: a Literature Review", working paper, available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=897722
10. Jones, J., (1991), "Earnings management during import relief investigations", **Journal of Accounting Research**, Vol. 29, PP. 193-228.

- 11.Scott, W. R., (2009), **Financial Accounting Theory**, Pearson, 5th Ed.
- 12.Wolk, H. I., Dodd, J. L., Rozycki, J. J., (2008), **Accounting Theory**, Sage Publication, Inc., 7th Ed.

